

نقش ادراک دلبستگی دوران کودکی، کنش‌وری خانواده و سبک‌های اسنادی بر اضطراب اجتماعی

The Role of Perceived Childhood Attachment, Family Functioning and Attributional Styles in Social Anxiety

Somaie Khorashadizadeh

MA in Clinical Psychology

Fatemeh Shahabizadeh, PhD

Islamic Azad University

Birjand Branch

دکتر فاطمه شهبابی‌زاده

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی

واحد بیرجند

سمیه خراشادی‌زاده

کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی

Reza Dastjerdi, PhD

Medical Sciences Birjand University

دکتر رضا دستجردی

استادیار دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناخت نقش دلبستگی دوران کودکی، کنش‌وری خانواده و سبک‌های اسنادی در اضطراب اجتماعی دانشجویان انجام شد. ۷۰۰ دانشجو به روش نمونه‌برداری چندمرحله‌ای خوشه‌ای از دو دانشگاه پیام نور و آزاد بیرجند انتخاب شدند و ارزشیابی دلبستگی به هر والد (هازان و شاور، ۱۹۸۶)، مقیاس ارزیابی سازش‌پذیری و پیوستگی خانواده (السون، پرتنر و لاوی، ۱۹۸۵)، پرسشنامه سبک اسنادی (پترسون و سلیگمن، ۱۹۸۴) و مقیاس اضطراب اجتماعی (واتسون و فرند، ۱۹۶۹) را تکمیل کردند. یافته‌ها نشان دادند سبک‌های اسنادی، دلبستگی نایمن به مادر و پیوستگی با خانواده به طور مستقیم پیش‌بینی‌کننده اضطراب اجتماعی هستند. همچنین، دلبستگی به والد از طریق پیوستگی و اسناد موفقیت بر کاهش و افزایش اضطراب اجتماعی مسیرهای معناداری نشان دادند. با توجه به یافته‌های این پژوهش می‌توان دریافت که پیوستگی اعضای خانواده و اسناد موفقیت باعث کاهش اضطراب اجتماعی و نایمنی به مادر و اسناد شکست موجب افزایش اضطراب اجتماعی می‌شوند.

واژه‌های کلیدی: دلبستگی به والد، کنش‌وری خانواده، سبک‌های اسنادی، اضطراب اجتماعی

Abstract

This study examined the role that perceived childhood attachment, family functioning and attributional styles have in college students' social anxiety. 700 students were selected by multistage cluster sampling from Azad and Payam-e-Noor universities of Birjand city. Participants completed Measures of Childhood Attachment to Each Parent (Hazan & Shaver, 1986), The Family Adaptability and Cohesion Evaluation Scale (Olson, Portner & Lavee, 1985), Attribution Styles Questionnaire (Peterson & Seligman, 1984) and Social Anxiety Scale (Watson & Friend, 1969). Findings demonstrated that attributional styles, insecure attachment to mother and family cohesion directly predicted social anxiety; attachment to parents by cohesion predicted success attribution and family cohesion by success attribution predicted increase and decrease in social anxiety. Based on the results it could be concluded that family cohesion and success attribution decrease social anxiety, whereas, insecurity to mother and failure attribution increase social anxiety.

Keywords: attachment to parents, family functioning, attributional styles, social anxiety

received: 13 December 2011

Accepted: 10 March 2012

دریافت: ۹۰/۹/۲۳

پذیرش: ۹۰/۱۲/۲۰

Contact information: sumaye2009@gmail.com

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی است.

مقدمه

اضطراب را تجربه می‌کند. همچنین، بروچ و همیبرگ (۱۹۹۴) نشان دادند افرادی که در طی دوره کودکی از سوی والدین بیش از حد محافظت می‌شوند از تعامل‌های اجتماعی اجتناب می‌کنند و تمایل دارند که از اجتماع کناره‌گیری کنند. نتایج پژوهش جانسون و دیگران (۲۰۰۱) نیز حاکی از آن بود که بین پیوستگی خانواده و افزایش سطح تنهایی و اضطراب اجتماعی و اجتناب اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد. با توجه به این نتایج به نظر می‌رسد ناکارآمدی خانواده در ایجاد اضطراب اجتماعی نقش بسزایی دارد.

دیدگاه‌های مختلف روان‌شناسی و جامعه‌شناسی عصر جدید بر این اصل قرار دارند که یک عامل به‌تنهایی نمی‌تواند تعیین‌کننده رفتار افراد باشد، بلکه عوامل متعددی در ایجاد و شکل‌گیری رفتار نقش دارند. با توجه به اینکه اکثر رفتارهای انسان تابع چند عامل است (کیسنر^۹ و کر^{۱۰}، ۲۰۰۴ نقل از رجبی، چهاردولی و عطاری، ۱۳۸۶)، اضطراب اجتماعی نیز از این قاعده مستثنی نیست.

یکی دیگر از عواملی که در شکل‌گیری اضطراب اجتماعی نقش دارد، دلبستگی^{۱۱} است. نظریه دلبستگی اولین بار به وسیله بالبی^{۱۲} (۱۹۶۹) نقل از سپاه‌منصور، شهابی‌زاده و خوشنویس، ۱۳۸۷) مطرح شد. این نظریه تأکید دارد که ارتباط‌های اولیه دوران کودکی، سبک‌های دلبستگی^{۱۳} فرد را شکل می‌دهند. این سبک‌ها بر دیدگاه فرد درباره خود، دیگران و روش سازماندهی تعامل‌های بین فردی او تأثیر می‌گذارند (احدی، ۱۳۸۸). دلبستگی کودک به والدین و مکانیزم‌های رفتاری مرتبط با آن، شانس بقای وی را افزایش می‌دهد چه والدین برای کودک به منزله تکیه‌گاه و پناهگاهی مطمئن هستند که در کنار آنها، جرأت کاوش و جست‌وجو در محیط را پیدا می‌کند (بروماریو و کرنز، ۲۰۰۸). بالبی (۱۹۶۹) نقل از ویلکسون و والفورد، ۲۰۰۱) سبک‌های دلبستگی را به دو دسته اصلی تقسیم می‌کند: دلبستگی ناایمن^{۱۴} که بر پایه الگوهای درونی ناامن شکل می‌گیرد و سازش‌یافتگی روان‌شناختی را با مشکل مواجه می‌سازد. در مقابل، دلبستگی

اختلال اضطراب اجتماعی^۱ با ترس ناتوان‌کننده پایدار و نامعقول از یک یا چند موقعیت اجتماعی یا عملکرد مشخص می‌شود. افراد با اختلال اضطراب اجتماعی در موقعیت‌های اجتماعی می‌ترسند که مورد بررسی و ارزیابی منفی دیگران قرار گیرند و ممکن است به صورت خجالت‌آور یا تحقیرآمیز رفتار کنند. این افراد به خاطر ترس‌های خود از این موقعیت‌ها دوری کرده یا با ناراحتی زیاد آن را تحمل می‌کنند (باچر، مینکا و هولی، ۱۳۸۷/۲۰۰۷). روند اضطراب اجتماعی معمولاً مزمن و پیوسته است و نسبت به اختلال‌های اضطرابی^۲ دیگر با دوران کودکی و خانواده بیشتر در ارتباط است (نل و ادل‌من، ۲۰۰۳). بررسی‌ها نشان داده‌اند افرادی که کودکی خود را در محیط‌های نامساعد خانوادگی تجربه کرده‌اند، دگرگونی‌های رفتاری و نابهنجاری اجتماعی نشان می‌دهند (حسینیان، زهرایی و خدابخشی، ۱۳۸۹). در واقع، خانواده چهارچوبی برای تعامل‌های اجتماعی خارج از خانه فراهم می‌کند و افرادی که کنش‌وری خانواده آنها مناسب است، سازش‌یافتگی بهتری با اجتماع دارند (جانسون، لاول و ماهونی، ۲۰۰۱). السون^۳، اسپرنکل^۴ و روسل^۵ (۱۹۷۹) نقل از پلگ-پوپکو و دار، ۲۰۰۱) با بررسی طرح ابعاد پویایی خانواده و ارتباط والد-کودک الگویی از نظام خانواده با دو بُعد پیوستگی^۶ و انعطاف‌پذیری^۷ ارائه کردند. در این الگو پیوستگی به عنوان همبستگی، پیوند و تعهد عاطفی که اعضای یک خانواده نسبت به هم دارند، مطرح است. انعطاف‌پذیری نیز بیانگر مقدار تغییر نقش‌ها، قوانین، مهار و انضباط خانواده است. بر مبنای این پژوهش کنش‌وری خانواده‌هایی که از لحاظ انعطاف‌پذیری و پیوستگی در سطح متعادل است بهتر از خانواده‌هایی است که در سطوح افراطی این دو بُعد قرار می‌گیرند. نتایج پژوهش بوئن^۸ (۱۹۷۸) نقل از پلگ-پوپکو و دار، ۲۰۰۱) نیز نشان دادند نزدیکی زیاد افراد در خانواده، موجب محافظت بیش از حد و وابستگی عاطفی شدید و فقدان استقلال عمل می‌شود. به این دلیل کودک، هنگام رویارویی با موقعیت‌ها حس آشفتگی، تنیدگی و

1. Social Anxiety disorder
2. Anxiety disorders
3. Olson, D. H.
4. Sperrinkle, D. H.
5. Russel, C. S.

6. cohesion
7. flexibility
8. Bowen, M.
9. Kiesner, J.
10. Kerr, M.

11. attachment
12. Bowlby, J.
13. attachment styles
14. unsecure attachment

می‌کند، عواطف و سوء‌تعبیرهای منفی را افزایش می‌دهد، نسبت به تعامل با دیگران و اجتماع دید منفی پیدا می‌کند و اضطراب بیشتری را در موقعیت‌های اجتماعی تجربه می‌کند (بالبی، ۱۹۷۳، ۱۹۸۰ نقل از پارادا، لرکز و ناینابالانکسون، ۲۰۱۰).

پژوهش‌ها (برای مثال امروزکان، ۲۰۰۹) نشان داده‌اند که سطح اضطراب اجتماعی دانشجویان دارای سبک دلبستگی ایمن کمتر از دانشجویان دارای سبک دلبستگی ناایمن است. همچنین، نتایج تحقیق بروماریو و کرنز (۲۰۰۸) حاکی از آن است که دلبستگی ایمن و دوسوگرا نسبت به مادر به ترتیب با کاهش و افزایش اضطراب اجتماعی ارتباط دارد. این مؤلفان به این نتیجه رسیدند افراد دارای دلبستگی ایمن به مادر شایستگی‌های اجتماعی بیشتری دارند و ارتباط آنها با همسالان از کیفیت بالاتری برخوردار است. نتایج تحقیق پارادا و دیگران (۲۰۱۰) نیز نشان دادند دلبستگی ایمن با اضطراب اجتماعی همبستگی منفی و با روابط نزدیک همبستگی مثبت، و اضطراب اجتماعی با روابط نزدیک رابطه منفی دارد. همچنین، نتایج حاکی از آن بود که بین دلبستگی ایمن به والدین با شکل‌گیری روابط دوستانه و کاهش اضطراب اجتماعی همبستگی مثبت وجود دارد. اضطراب اجتماعی نیز با احساس رضایت و خشنودی با دوستان رابطه منفی دارد. این نتایج با ابعاد نظریه دلبستگی ایمن که سلامت روان‌شناختی و تجربه برقراری ارتباط نزدیک را تحت تأثیر قرار می‌دهد و کفایت و شایستگی‌های اجتماعی را پیش‌بینی می‌کند، مطابقت دارد.

سبک‌های دلبستگی و خانواده جزء عوامل بیرونی اثرگذار بر اضطراب اجتماعی‌اند اگرچه عوامل بیرونی به‌تنهایی بر متغیر مذکور اثر ندارند. عوامل درونی نیز مانند مؤلفه‌های شناختی (سبک‌های اسنادی^۱) در کنار مؤلفه‌های بیرونی (دلبستگی و خانواده) می‌توانند توان پیش‌بینی اضطراب اجتماعی را افزایش دهند. در واقع، افرادی که نسبت به خود و موقعیت خود در حال حاضر و آینده، باورها و انتظارات منفی دارند، حوادث را به صورت بدبینانه تعبیر می‌کنند، از عملکرد ضعیفی برخوردارند، به آینده با دید شکست و پیش‌بینی منفی می‌نگرند و در مورد عملکرد خود به اسنادهای منفی متوسل می‌شوند. این

ایمن^۱ که بر سلامت روانی فرد تأثیر مثبت می‌گذارد.

بسیاری از بررسی‌ها نشان داده‌اند که دلبستگی والد-کودک با سازش‌یافتگی فرد و همچنین با شایستگی عملکرد وی در موقعیت‌های دیگر ارتباط دارد. افراد ایمن نسبت به افراد ناایمن رفتارهای منفی، سازش‌نیافتگی (دویلی و مارکیویز، ۲۰۰۵) مشکلات عاطفی و پرخاشگری کمتری دارند (بوس‌کیوت و اگلند، ۲۰۰۶؛ سیمونز، پاترنیت و شور، ۲۰۰۱). این افراد در ارتباط با همسالان، پرشورتر، گرم‌تر، مقاوم‌تر و همراه‌ترند (ماتس^۲، آرنند^۳ و اسروف^۴، ۱۹۷۸ نقل از رازقی، غباری‌بناب و مظاهری، ۱۳۸۵)، تصویر مثبت‌تری از خود و اعتماد به خود بالاتری نسبت به افراد ناایمن دارند، در موقعیت‌های اجتماعی احساس راحتی بیشتری می‌کنند و روابط بین فردی را به عنوان منبعی از آرامش می‌بینند (فینی و نولر، ۱۹۹۰). بالبی (۱۹۷۳) نقل از رازقی و دیگران، (۱۳۸۵) به صراحت پیش‌بینی کرده است که اختلال در رابطه دلبستگی، با ایجاد اضطراب فراگیر و بی‌اعتمادی در کودک می‌تواند به اختلال‌های روان‌شناختی بیانجامد.

بنابراین، عملکرد مطلوب نظام دلبستگی (دلبستگی ایمن) متأثر از کیفیت تعامل بین کودک و تصاویر دلبستگی است که برمبنای درون‌سازی انتظارات کودک از مراقب شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر، کودک در طول سال اول زندگی انتظاراتی را از نحوه تعامل خود با چهره دلبستگی و رویدادهای پیرامونی آن شکل می‌دهد و به تدریج این انتظارات را در قالب یکسری بازنمایی ذهنی^۵ که الگوی کاری درونی^۶ نامیده شده، درون‌سازی می‌کند (کولینز^۷ و فینی^۸، ۲۰۰۴ نقل از رضانی، شمس‌اسفندآبادی و طهماسبی، ۱۳۸۵).

این بازنمایی‌ها نه‌تنها الگویی برای روابط اجتماعی آینده فرد فراهم می‌آورند، بلکه چگونگی تجربه، ابراز وجود و کنار آمدن با عواطف منفی فرد را مشخص می‌کنند (عارفی، نوایی‌نژاد و ثنایی، ۱۳۸۴). هنگامی که چهره‌های دلبستگی اولیه غیرمطمئن هستند، کودک با بی‌عاطفگی مراقب روبه‌رو می‌شود و نیازهایش توسط مراقب اولیه برآورده نمی‌شود، الگوهای درونی منفی‌ای نسبت به خود و دیگران ایجاد

1. secure attachment

2. Matas, L.

3. Arend, R. A.

4. Sroufe, L. A.

5. mental representation

6. Internal Working Model

7. Collins, N. L.

8. Feeney, B. C.

9. attributional style

است. افزون بر آن، هریک از عوامل یادشده (کنش‌وری خانواده و دلبستگی به عنوان مؤلفه‌های عاطفی و سبک‌های اسنادی به عنوان مؤلفه شناختی) به صورت جداگانه در پژوهش‌های پیشین بررسی شده‌اند، اما پژوهشی که همه این عوامل را در کنار یکدیگر در ارتباط با اضطراب اجتماعی بررسی کند، صورت نگرفته است. در حالی که پیش‌بینی یک اختلال تنها در صورتی امکان‌پذیر است که سهم هر یک از عوامل پیش‌بینی‌کننده تعیین شود. بنابراین، هدف این پژوهش تعیین سهم ادراک دلبستگی دوران کودکی، کنش‌وری خانواده و سبک‌های اسنادی در اضطراب اجتماعی است.

روش

پژوهش حاضر از نوع همبستگی است که در آن از روش تحلیل مسیر بهره گرفته شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان مشغول به تحصیل در مقطع کاردانی و کارشناسی شهر بیرجند در سال تحصیلی ۸۹-۹۰ بود. با کاربرد روش نمونه‌برداری چندمرحله‌ای و تصادفی ساده نخست از بین دانشگاه‌های شهر بیرجند، دو دانشگاه آزاد اسلامی و پیام نور و سپس، از هر دانشگاه چهار دانشکده انتخاب شدند. ۷۰۰ دانشجو (۳۹۸ دختر و ۳۰۲ پسر) در گروه نمونه قرار گرفتند. گردآوری داده‌ها با استفاده از مقیاس اضطراب اجتماعی^۱ (واتسون و فرند، ۱۹۶۹)، مقیاس ارزیابی سازش‌پذیری و پیوستگی خانواده^۲ (FACES-III، السون، پرتتر و لاوی، ۱۹۸۵)، ارزشیابی دلبستگی به هر والد^۳ (هازن و شیور، ۱۹۸۶) و پرسشنامه سبک اسنادی^۴ (پترسون و سلیگمن، ۱۹۸۴) صورت گرفت.

مقیاس اضطراب اجتماعی (واتسون و فرند، ۱۹۶۹):

این مقیاس شامل ۲۸ ماده است. پیوستار پاسخ‌ها بر پایه طیف درست و نادرست مشخص شده است. در پژوهش حاضر برای دستیابی به عامل‌های زیربنایی و همپوشی بین متغیرها تحلیل عاملی انجام شد. نتایج نشان دادند مفروضه‌های تحلیل عاملی برای KMO برابر با ۰/۷۰ و معناداری آزمون بارتلت ($p < ۰/۰۰۱$) تحلیل عاملی را امکان‌پذیر کرد. تحلیل مؤلفه اصلی با چرخش ابلیمین نیز منجر به حذف چند ماده نامناسب

اسنادهای منفی می‌توانند انگیزه و عملکرد فرد را تحت تأثیر قرار دهند و موجب شوند که افراد علت شکست را به خود نسبت دهند و به دلیل کاهش انتظارات موفقیت‌آمیز، انگیزه کمتری برای مشارکت‌های اجتماعی داشته باشند و از آنها دوری کنند (آرکین، آپلمنت و بوگر، ۱۹۸۰).
به اعتقاد جیل‌بوالاسکچتمن^۱، فرانکلین^۲ و فوا^۳ (۲۰۰۰) نقل از ویلسون و رپی، (۲۰۰۵) دلیل آنکه پیامدهای منفی اجتماعی به وسیله افراد به عنوان اضطراب‌های اجتماعی آزاردهنده ارزیابی می‌شوند، تعابیر منفی این افراد نسبت به خود است. بدین ترتیب، ویژگی‌های شخصی نامطلوب افراد علت اصلی شکست آنهاست. به عبارتی دیگر، اشخاص دارای اضطراب اجتماعی در مواجهه با موفقیت و شکست، بیشتر مسوولیت شکست‌ها را به عهده می‌گیرند (آرکین و دیگران، ۱۹۸۰). نتایج پژوهش بل‌دولان و وسلر (۱۹۹۴) نیز نشان دادند بین اضطراب اجتماعی و سبک‌های اسنادی منفی رابطه معنادار وجود دارد. همچنین، نتایج پژوهش تیلور و والد (۲۰۰۳) نیز حاکی از آن بود که اختلال اضطراب اجتماعی، در مقایسه با وحشت‌زدگی، وسعت‌هراسی و اختلال تنیدگی پس‌ضربه‌ای^۴ با افزایش انتظار برای حوادث منفی اجتماعی (شکست) ارتباط دارد. این نکته را نیز باید در نظر داشت که انسان اساساً موجودی اجتماعی و نیازمند برقراری ارتباط با دیگران است و بسیاری از نیازهای انسان و شکوفا شدن استعدادها و خلاقیت‌های فردی تنها از طریق تعامل بین فردی و ارتباط اجتماعی ارضا می‌شود و به فعلیت درمی‌آید. از سوی دیگر، فعالیت‌های روزمره، مستلزم تماس با افراد دیگر در موقعیت‌های مختلف اجتماعی است. بنابراین، اضطراب اجتماعی می‌تواند یک اختلال آشفته‌کننده و مخرب باشد که به طور معمول باعث نگرانی زیاد در افراد می‌شود (نل و ادل‌من، ۲۰۰۳). با در نظر گرفتن شیوع بالای این اختلال که حدود ۱۳ درصد در جامعه برآورد شده است و پس از افسردگی و وابستگی به الکل در جایگاه سومین اختلال روان‌پزشکی، قرار دارد (میلانی، شهیری، قانیدی، بختیاری و طاولی، ۱۳۸۸)، شناخت عوامل موثر در پیدایش و تداوم اضطراب اجتماعی و پیشگیری از بروز این اختلال الزامی

1. Gilboa-Schechtman, E.

2. Franklin, M.

3. Foa, E. B.

4. Post Traumatic Stress Disorder (PTSD)

5. Social Anxiety Scale

6. The Family Adaptability and Cohesion Evaluation Scale

7. Measurd of Childhood Attachment to Each Parent

8. Attribution Style Questionnaire

تحلیل عاملی برای هر یک از عامل‌های ابزار دلبستگی به پدر و مادر با چرخش ابلیمین ساختار ساده دو عاملی (ایمن به مادر، نایمن به مادر، ایمن به پدر و نایمن به پدر) را نشان داد. در مطالعه حاضر نیز ضرایب آلفای کرونباخ برای دلبستگی ایمن و نایمن به مادر و پدر به ترتیب ۰/۷۰، ۰/۸۲، ۰/۸۶ و ۰/۸۵ به دست آمد.

پرسشنامه سبک اسنادی (پترسون و سلیگمن، ۱۹۸۴): پرسشنامه سبک‌های اسنادی در برگیرنده ۱۲ موقعیت فرضی (شش موقعیت مثبت و شش موقعیت منفی) است. هر یک از موقعیت‌ها توسط چهار ماده مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. تحلیل مؤلفه‌های اصلی با چرخش ابلیمین ساختار ساده دو عاملی را نشان داد که ماده‌های پایدار، درونی و کلی بودن اسناد موفقیت در یک عامل و ماده‌های پایدار و کلی بودن اسناد شکست در عامل دوم بارگذاری شدند. لازم به ذکر است که ماده‌های ۱، ۲، ۳، اسناد موفقیت و ماده‌های ۴، ۵، ۷، ۸، ۱۰، ۱۱ اسناد شکست به دلیل بارگذاری در عامل ناهمخوان از لحاظ محتوا یا به دلیل داشتن بارهای یکسان در چند عامل و یا بارهای پایین‌تر از ۰/۳۰ از تحلیل حذف شدند. در پژوهش حاضر ضرایب آلفای کرونباخ اسناد پایدار کلی درونی موفقیت ۰/۷۶ و اسناد پایدار کلی شکست ۰/۷۱ به دست آمد که حاکی از اعتبار مناسب پرسشنامه است.

برای تحلیل داده‌ها نیز از آزمون همبستگی و تحلیل مسیر استفاده شد.

یافته‌ها

در جدول ۱ شاخص‌های توصیفی متغیرهای مورد بررسی درج شده است. این یافته‌ها نشان می‌دهند که بالاترین میانگین مربوط به دلبستگی ایمن به مادر است.

شد؛ ماده‌هایی که در عامل‌های غیرقابل پیش‌بینی بار داشتند و یا بار کمتر از ۰/۳۰ داشتند. با حذف این ماده‌ها، ساختار ساده یک عاملی به دست آمد. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ مقیاس اضطراب اجتماعی برابر با ۰/۷۱ به دست آمد که حاکی از اعتبار مناسب مقیاس است.

مقیاس ارزیابی سازش‌پذیری و پیوستگی خانواده

(FACES-III، السون، پرتنر و لاوی، ۱۹۸۵): این مقیاس که یک ابزار خودگزارش‌دهی است، دارای دو بُعد اساسی پیوستگی و سازش‌پذیری است. این مقیاس ۲۰ ماده از نوع لیکرت دارد که ۱۰ ماده آن بُعد پیوستگی و ۱۰ ماده دیگر بُعد سازش‌پذیری (انعطاف‌پذیری) را اندازه‌گیری می‌کند. مقیاس‌ها طوری طراحی شده‌اند که آزمودنی در دو موقعیت واقعی و آرمانی به آن پاسخ می‌دهد. در پژوهش حاضر کنش‌وری فعلی خانواده (۲۰ ماده) مورد استفاده قرار گرفت. با تحلیل مؤلفه‌های اصلی با چرخش ابلیمین و حذف ماده‌های نامناسب ساختار ساده دو عاملی (پیوستگی و انعطاف‌پذیری) به دست آمد. آلفای کرونباخ برای پیوستگی و انعطاف‌پذیری به ترتیب ۰/۸۱ و ۰/۷۹ به دست آمد که حاکی از اعتبار بالای مقیاس است.

ارزشیابی دلبستگی نسبت به هر والد (هازن و

شیور، ۱۹۸۶): این ابزار از سه بند تشکیل شده است. هر یک از بندها یکی از سبک‌های دلبستگی را توصیف می‌کند. آزمون‌شونده با خواندن هر بند، درجه توافق خود را با توصیف به عمل آمده بر مبنای مقیاس لیکرت هفت‌درجه‌ای تعیین می‌کند. پاسخگویی به سه بند مورد نظر در ابزار، موجب احراز سه نمره می‌شود. اولین توصیف و نمره به دست آمده میزان دلبستگی اجتنابی، دومین توصیف میزان دلبستگی اضطرابی-دوسوگرا و سومین توصیف میزان دلبستگی ایمن را نشان می‌دهد.

جدول ۱

شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

شاخص	کنش‌وری خانواده		دلبستگی به والد			سبک‌های اسنادی		
	انعطاف‌پذیری	پیوستگی	ایمن به مادر	نایمن به مادر	ایمن به پدر	نایمن به پدر	موفقیت	شکست
<u>M</u>	۲/۶۱	۳/۹۴	۵/۴۸	۲/۸۷	۳/۱۰	۳/۲۰	۴/۲۰	۳/۴۵
<u>SD</u>	۰/۶۱	۰/۶۳	۱/۲۸	۱/۲۹	۱/۳۹	۲/۳۱	۰/۷۳	۰/۶۵

به منظور بررسی الگوی مفهومی و تعیین نقش چگونگی رابطه بین متغیرها، از تحلیل مسیر استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است.

ماتریس همبستگی بین متغیرها نشان می‌دهد که متغیر اضطراب اجتماعی با کلیه متغیرهای سبک‌های دلبستگی به هر دو والد، سبک‌های اسنادی و پیوستگی (به جز انعطاف‌پذیری) رابطه معنادار دارد (جدول ۲).

جدول ۲

ماتریس همبستگی دلبستگی دوران کودکی، کارکرد خانواده، سبک‌های اسنادی و اضطراب اجتماعی

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
پیوستگی	—							
انعطاف‌پذیری	۰/۱۳**	—						
اسناد موفقیت	۰/۱۹**	۰/۰۸*	—					
اسناد شکست	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۱۳**	—				
ایمن به مادر	۰/۳۵**	-۰/۰۱	۰/۰۷۴	-۰/۰۶	—			
ناایمن به مادر	-۰/۲۳**	۰/۱۱**	-۰/۲۳**	۰/۰۸*	۰/۶۴**	—		
ایمن به پدر	۰/۳۹**	۰/۰۴	۰/۰۹*	-۰/۰۴	۰/۳۹**	-۰/۲۹**	—	
ناایمن به پدر	-۰/۳۴**	۰/۱۹**	-۰/۲۳**	۰/۰۵	۰/۳۲**	۰/۵۸**	-۰/۶۶**	—
اضطراب اجتماعی	-۰/۱۷**	۰/۰۵	-۰/۲۶**	۰/۱۱**	-۰/۱۹**	۰/۲۳**	-۰/۱۸**	۰/۲۲**

** $P < 0.01$ * $P < 0.05$

جدول ۳

اثرات مستقیم متغیرهای پیش‌بینی‌کننده بر متغیرهای پیش‌بینی‌شونده

متغیرهای ملاک	پیوستگی	ایمن به مادر	ناایمن به مادر	ایمن به پدر	ناایمن به پدر	اسناد موفقیت	اسناد شکست
پیوستگی	—	۰/۱۳	-۰/۱۶	۰/۳۰	-	-	-
اسناد موفقیت	۰/۱۲	-۰/۱۵	-۰/۲۴	-	۰/۱۰	-	-
اضطراب اجتماعی	-۰/۰۹	-	۰/۱۴	-	-	-۰/۲۳	۰/۱۳

 $P < 0.05$

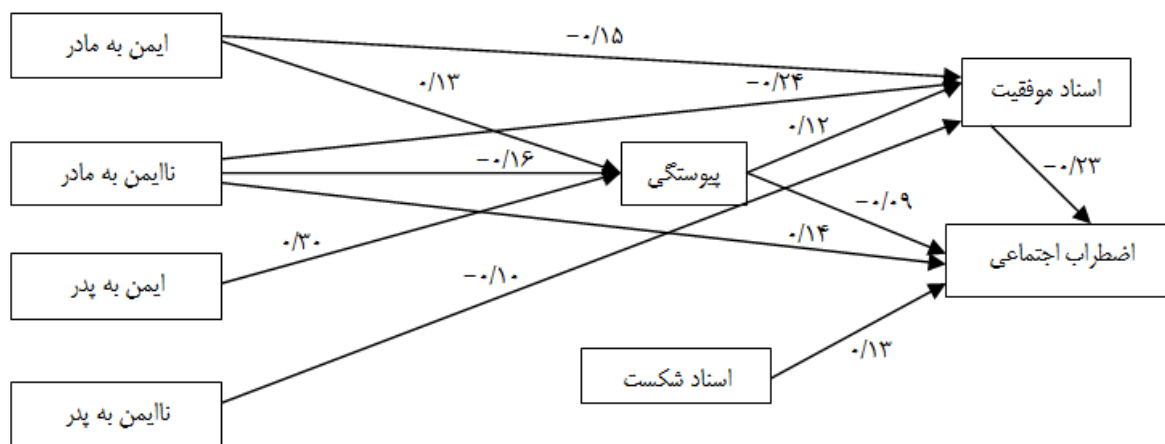
آنها با داده‌ها تأیید شد. همان طور که در جدول ۳ و شکل ۱ مشاهده می‌شود دلبستگی ایمن به مادر و ناایمن به مادر و ایمن به پدر به طور مستقیم پیوستگی را پیش‌بینی می‌کنند که البته سهم دلبستگی ایمن به پدر در افزایش پیوستگی نیرومندتر است. افزون بر آن، یافته‌های پژوهش حاضر نشان دادند که در پیش‌بینی اسناد پایدار کلی درونی موفقیت، دلبستگی ایمن به مادر و ناایمن به پدر و مادر و پیوستگی نقش مستقیمی دارند که البته سهم دلبستگی ناایمن به مادر قوی‌تر بود.

اثرات غیرمستقیم و اثرات کل متغیرهای پیش‌بینی‌کننده بر متغیرهای پیش‌بینی‌شونده با استفاده از تحلیل مسیر در جدول ۴ و ۵ ارائه شده است.

نتایج تحلیل مسیر نشان دادند متغیرهای دلبستگی ایمن و

افزون بر آن برآورد پارامترهای الگو از طریق روش بیشینه احتمال به دست آمد که در شکل ۱ مشاهده می‌شود.

در این مدل متغیر درونزای انعطاف‌پذیری مسیره‌های علی معناداری (نه به عنوان پیش‌بین و نه ملاک) نشان نداد و از مدل حذف شد. چنانکه مشاهده می‌شود الگوی پیشنهادی با داده‌ها برازش مناسبی دارد. شاخص مجذور کای معنادار نبود. بدین ترتیب، الگو می‌تواند تقریب قابل قبولی از جامعه ارائه دهد. به هر حال شاخص ریشه خطای میانگین مجذورهای تقریب (RMSEA) که برای اندازه‌گیری متوسط باقیمانده‌ها به کار می‌رود برابر ۰/۰۳ به دست آمد. مقادیر دیگر شاخص‌های برازندگی از جمله GFI، AGFI، NFI، GFI، IFI، NNFI به ترتیب ۰/۹۹، ۰/۹۸، ۱، ۰/۹۹، ۰/۹۹ و ۰/۹۹ به دست آمد که به دلیل بزرگ‌تر بودن این شاخص‌ها از ۰/۹۰ برازش مناسب



شکل ۱. مدل پیش‌بینی اضطراب اجتماعی در ارتباط با دل‌بستگی دوران کودکی، کنش‌وری خانواده و سبک‌های اسنادی همه ضرایب به اضطراب اجتماعی در سطح $p < 0.05$ معنادار است. $\chi^2 = 16/52$; $df = 10$; ریشه خطای میانگین مجزورات تقریباً 0.03 ؛ شاخص برازندگی تطبیقی 0.99 ؛ شاخص نرم شده برازندگی 0.99 ؛ شاخص نرم نشده برازندگی 0.99 .

اجتماعی‌اند. اما سبک‌های دل‌بستگی به والد از طریق پیوستگی و اسناد پایدار کلی درونی موفقیت‌اند و بیشترین اثر غیرمستقیم در پیش‌بینی اسناد موفقیت توسط دل‌بستگی ایمن به پدر به دست آمد. بنابراین، می‌توان دریافت سبک‌های اسنادی و نالیمن به مادر و پیوستگی به طور مستقیم پیش‌بینی‌کننده اضطراب

نالیمن به مادر و ایمن به پدر از طریق پیوستگی پیش‌بینی‌کننده اسناد پایدار کلی درونی موفقیت‌اند و بیشترین اثر غیرمستقیم در پیش‌بینی اسناد موفقیت توسط دل‌بستگی ایمن به پدر به دست آمد. بنابراین، می‌توان دریافت سبک‌های اسنادی و نالیمن به مادر و پیوستگی به طور مستقیم پیش‌بینی‌کننده اضطراب

جدول ۴

اثرات غیرمستقیم متغیرهای پیش‌بینی‌کننده بر متغیرهای پیش‌بینی‌شونده

متغیرهای ملاک	متغیرهای پیش‌بینی‌کننده					
	پیوستگی	ایمن به مادر	نالیمن به مادر	ایمن به پدر	نالیمن به پدر	اسناد موفقیت
اسناد موفقیت	-	0/01	-0/01	0/03	-	-
اضطراب اجتماعی	-0/02	-0/02	0/01	-0/02	0/02	-

$P < 0.05$

جدول ۵

اثرات کل متغیرهای پیش‌بینی‌کننده بر متغیرهای پیش‌بینی‌شونده

متغیرهای ملاک	متغیرهای پیش‌بینی‌کننده					
	پیوستگی	ایمن به مادر	نالیمن به مادر	ایمن به پدر	نالیمن به پدر	اسناد موفقیت
پیوستگی	-	0/13	-0/16	0/30	-	-
اسناد موفقیت	0/12	-0/16	0/25	0/03	-0/10	-
اضطراب اجتماعی	-0/09	-0/02	0/15	-0/02	0/02	-0/23

$P < 0.05$

بحث

بین دل‌بستگی و پیوستگی اعضای خانواده رابطه معنادار وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهش فینزی-دوتان، کوهن، ایوانیک، اسپیر و ویزمن (۲۰۰۲) همخوانی دارد. این پژوهشگران در بررسی خود به این نتیجه دست یافتند که سبک دل‌بستگی

در پژوهش حاضر نقش ادراک دل‌بستگی دوران کودکی، کنش‌وری خانواده و سبک‌های اسنادی در اضطراب اجتماعی دانشجویان بررسی شد. نتایج تحلیل مسیر حاکی از آن بود که

رابطه معنادار وجود دارد. افزون بر آن، در پژوهش حاضر بین بُعد انعطاف‌پذیری و اضطراب اجتماعی ارتباط معنادار وجود نداشت.

در تبیین این نتایج می‌توان گفت که والدین بر روابط اجتماعی کودکان جوان خود تأثیر می‌گذارند. آنها منحصرأ مسوول سازمان‌دهی فرصت‌های اجتماعی برای کودکان خود هستند و کودکان تعامل‌های اجتماعی مناسب را از طریق مشاهده و تجربه مستقیم یاد می‌گیرند. هنگامی که پیوستگی در خانواده کاهش می‌یابد، کودکان فرصت کافی برای یادگیری مهارت‌های اجتماعی را از دست می‌دهند. در چنین شرایطی از موقعیت‌های اجتماعی می‌ترسند، زیرا شیوه برقراری تعامل مناسب را نمی‌دانند. بنابراین، می‌توان گفت که پیوستگی اعضای خانواده می‌تواند سهم مهمی در کاهش اضطراب اجتماعی داشته باشد (بیدل^۱ و موریس^۲ ۱۹۹۵ نقل از کاستر، ایندربیتزن و هوپ، ۱۹۹۹).

نتایج تحلیل مسیر در مورد رابطه عوامل پیش‌بینی‌کننده بر عامل پیش‌بینی‌شونده حاکی از آن بود که بین دلبستگی ناایمن به مادر با اضطراب اجتماعی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهش بروماریو و کرنز (۲۰۰۸) همسوست. طبق نظریه دلبستگی، مراقب (به طور معمول مادر) دو نوع هدف اولیه را، یک پناهگاه امن به هنگام تنیدگی و یک پایگاه ایمن برای جست‌وجوی محیط، فراهم می‌آورد (جولز، ۲۰۰۷). به همین دلیل نقش مادر در روابط بعدی اهمیت دارد. در واقع، کودکان دلبسته ناایمن، فاقد اعتماد به چهره دلبستگی به عنوان پناهگاه امن جهت تسکین و رفع پریشانی‌اند و این تجربیات مکرر روزانه ناایمنی با چهره دلبستگی، بر انتظارات، احساسات و چگونگی تعامل‌های اجتماعی فرد اثر می‌گذارد (بروماریو و کرنز، ۲۰۰۸).

اینثورت^۳، بلاهر^۴، واترز^۵ و وال^۶ (۱۹۷۸) نقل از حمیدی، (۱۳۸۴) معتقدند مادرانی که به طور پیوسته در دسترس‌اند و به طور عاطفی به نیازهای دلبستگی فرزندان‌شان واکنش نشان می‌دهند، در کودکان شکلهایی از دلبستگی ایمن را شکل می‌دهند که موجب بروز رفتارهای اکتشافی در آنها می‌شود. در مقابل مادرانی که کودک خود را با رفتارهای متناقض تربیت می‌کنند، در کودکان شکلهایی از دلبستگی ناایمن را به وجود می‌آورند که رفتارهای اکتشافی را در کودک کاهش می‌دهد.

ایمن موجب پیوستگی خانواده می‌شود. در واقع، بر مبنای پایه‌های نظری دلبستگی بالبی، دلبستگی ایمن می‌تواند شاخص پویای خانواده سالم باشد. به عبارتی دیگر، افراد ایمن در سازش‌یافتگی با انواع رویدادهای زندگی تواناترند و این امر منجر به حفظ گرمی و روابط نزدیک در درون خانواده می‌شود (میکولینجر و فلوراین، ۱۹۹۹).

از سوی دیگر، یافته‌ها نشان دادند که بین دلبستگی ایمن به مادر و ناایمن به پدر با اسناد موفقیت رابطه معنادار وجود دارد. همچنین، کیفیت ارتباط اولیه مادر با اسناد موفقیت نیرومندتر از ارتباط اولیه پدر با اسناد به موفقیت بود. این امر نشان‌دهنده نقش مادر در ایجاد افکار مثبت و بازخوردهای کارآمد در فرد است. این یافته با نتایج پژوهش گرینبرگر و مک‌لوفلینگ (۱۹۹۸) همخوان است. بنابراین، می‌توان گفت که نقطه پیوند بین دلبستگی و سبک‌های تبیینی الگوهای کاری درونی هستند که به وسیله تجربیات دلبستگی اولیه ایجاد می‌شوند. افرادی که به طور ایمن دلبسته می‌شوند، افکار مثبتی را در خود مانند آنکه ارزشمند و دوست‌داشتنی، شایسته و با کفایت‌اند، رشد می‌دهند. در نتیجه، این افراد سبک‌های اسنادی مثبت و مطلوب را در خود پرورش می‌دهند (گرینبرگر و مک‌لوفلینگ، ۱۹۹۸).

همچنین، نتایج پژوهش ایوژن‌گراوز (۲۰۰۷) نشان دادند بین پیوستگی اعضای خانواده و تکامل سبک‌های شناختی رابطه معنادار وجود دارد که با نتایج مطالعه حاضر همخوانی دارد. پس می‌توان گفت که محیط خانواده به‌ویژه پیوستگی که منجر به نزدیکی و پیوندهای عاطفی می‌شود، بر ایجاد سبک‌های اسنادی موفقیت تأثیر می‌گذارد.

اما نتایج پژوهش حاضر با بررسی پلگ-پوپکو و دار (۲۰۰۱) که مبین وجود همبستگی مثبت بین کاهش انعطاف‌پذیری و افزایش ترس از غریبه‌ها و افزایش پیوستگی خانواده و اضطراب اجتماعی و ترس از ارزیابی منفی است، همخوانی ندارد. مطالعه مذکور بر ارتباط بین پیوستگی بسیار بالا یا درگیری بین اعضای خانواده و بُعد انعطاف‌پذیری بر اضطراب اجتماعی تمرکز داشت. در صورتی که در مطالعه حاضر مشخص شد که بین سطح متعادل پیوستگی (نه وابستگی و نه جدایی) و کاهش اضطراب اجتماعی

1. Beidel, D. C.
2. Muris, T. L.

3. Ainsworth, M. D. S.
4. Belehar, M. C.

5. Waters, E.
6. Wall, S.

بنابراین، به نظر می‌رسد توان اکتشاف محیط پیامد احساس ایمنی نسبت به مادر است و روابط اجتماعی را تسهیل می‌سازد. در حالی که عدم اکتشاف محیط که ناشی از دلبستگی نایمن نسبت به مادر است اضطراب اجتماعی را افزایش می‌دهد. افزون بر آن، افراد با سبک‌های دلبستگی نایمن می‌توانند با افزایش سطح مشکلات سازشی و کمبود مهارت‌های ارتباطی مواجه شوند که بر عملکرد فرد اثر می‌گذارد و آنان را مستعد اجتناب از اجتماع و بی‌کفایتی اجتماعی می‌سازد. این فرایند در ارتباط ضعیف با همسالان و گوشه‌گیری و کناره‌گیری اجتماعی انعکاس می‌یابد و اضطراب اجتماعی را افزایش می‌دهد (اروزکان، ۲۰۰۹).

بنابراین، می‌توان گفت دلبستگی نایمن نسبت به مادر سهم پیش‌بینی‌کننده نیرومندی در ارتباط با اضطراب اجتماعی دارد. در پژوهش حاضر بین سبک‌های اسنادی (موفقیت و شکست) و اضطراب اجتماعی رابطه معنادار وجود داشت. این یافته با نتایج بل‌دولان و وسلر (۱۹۹۴) و تیلور و والد (۲۰۰۳) همخوان است. به نظر می‌رسد اسنادها بر پیامد عملکرد در انتظارات موفق اشخاص تأثیر می‌گذارند. از سوی دیگر، انتظارات بر سطح انگیزشی اشخاص تأثیر می‌گذارند و سطح انگیزشی عملکرد و پیامد آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد و می‌تواند بر اسنادهای بعدی اثر بگذارند. بدین ترتیب این چرخه ادامه می‌یابد. اما هنگامی که شکست به کمبود توانایی نسبت داده می‌شود انتظارات موفقیت‌آمیز کاهش می‌یابند و انتظار شکست ایجاد می‌شود. این کاهش موفقیت، موجب کاهش انگیزه می‌شود. بنابراین، فرد در انجام و یادگیری کار کمتر تلاش و پافشاری می‌کند و این فرایند باعث افزایش شکست می‌شود (آرکین و دیگران، ۱۹۸۰). بنابراین، اسنادهای پایدار شکست در افراد مضطرب موجب می‌شود که نسبت به توانایی‌های خود در موقعیت‌ها شک کنند. در نتیجه، اضطراب آنها افزایش می‌یابد.

بنابراین، به نظر می‌رسد توان اکتشاف محیط پیامد احساس ایمنی نسبت به مادر است و روابط اجتماعی را تسهیل می‌سازد. در حالی که عدم اکتشاف محیط که ناشی از دلبستگی نایمن نسبت به مادر است اضطراب اجتماعی را افزایش می‌دهد. افزون بر آن، افراد با سبک‌های دلبستگی نایمن می‌توانند با افزایش سطح مشکلات سازشی و کمبود مهارت‌های ارتباطی مواجه شوند که بر عملکرد فرد اثر می‌گذارد و آنان را مستعد اجتناب از اجتماع و بی‌کفایتی اجتماعی می‌سازد. این فرایند در ارتباط ضعیف با همسالان و گوشه‌گیری و کناره‌گیری اجتماعی انعکاس می‌یابد و اضطراب اجتماعی را افزایش می‌دهد (اروزکان، ۲۰۰۹).

با توجه به نتایج به دست آمده، مؤلفه شناختی (به ویژه اسناد موفقیت) سهم پیش‌بینی‌کننده نیرومندتری نسبت به مؤلفه‌های عاطفی (دلبستگی و خانواده) دارد و مؤلفه‌های عاطفی (دلبستگی و پیوستگی اعضای خانواده) از طریق حوزه شناختی (سبک‌های اسنادی) بر کاهش و افزایش اضطراب اجتماعی تأثیر می‌گذارند. این نتایج نشان‌دهنده اهمیت مؤلفه‌های شناختی (سبک‌های

منابع

- باچر، ج.، مینکا، س. و هولی، ج. (۱۳۸۷). *آسیب‌شناسی روانی* (جلد اول)، ترجمه: ی. سیدمحمدی. تهران: نشر ارسباران (تاریخ انتشار اثر اصلی، ۲۰۰۷).
- حسینیان، س.، زهرایی، ش. و خدابخشی، آ. (۱۳۸۹). مقایسه و ارتباط عملکرد خانواده و سلامت روانی نوجوانان فراری از خانه با نوجوانان عادی. *مجله دانشگاه علوم پزشکی اراک (ره‌آورد دانش)*، ۱۳(۴)، ۹۴-۸۳.
- حمیدی، ف. (۱۳۸۴). بررسی ساخت خانواده، سبک دلبستگی در دختران فراری و اثربخشی خانواده درمانی و درمانگری حمایتی در تغییر آنها. *فصلنامه علمی پژوهشی خانواده پژوهی*، ۱، ۲۳-۵.
- رازقی، ن.، غباری بناب، ب. و مظاهری، م. (۱۳۸۵). مهدکودک و سبک‌های دلبستگی کودکان: پژوهشی در خانواده‌های تهرانی. *تازه‌های علوم شناختی*، ۱(۱)، ۳۸-۴۶.
- رجبی، غ.، چهاردولی، ح. و عطاری، ی. (۱۳۸۶). بررسی رابطه عملکرد خانواده و جو روانی-اجتماعی کلاس با ناسازگاری دانش‌آموزان دبیرستان شهرستان ملایر. *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی*، ۱۴(۳)،

- Caster, J. B., Inderbitzen, H., & hope, D. (1999).** Relationship between youth and parent perceptions of family environment and social anxiety. *Journal of Anxiety Disorder, 13* (3), 237-251.
- Doyle, A. B., & Markiewicz, D. (2005).** Parenting marital conflict and adjustment from early- to mid-adolescence: Mediated by adolescent attachment style? *Journal of Youth and Adolescence, 34* (2), 97-110.
- Erozkan, A. (2009).** The relationship between attachment style and social anxiety: An investigation with Turkish University student. *Social Behavior and Personality, 37* (6), 835-844.
- Eugene Graves, M. (2007).** *Relationship of family variables, cognitive triad, and depressive symptoms in pre- and early adolescent girls.* PhD dissertation, Austin University of Texas.
- Feeny, J. A., & Noller, P. (1990).** Attachment style as a prediction of adult romantic relationship. *Journal of Personality and Social Psychology, 58*, 281-291.
- Greenberger, E., & Mclaughlin, C. (1998).** Attachment, coping, and explanatory style in late adolescence. *Journal of Youth and Adolescence, 27* (2), 121-139.
- Hazan, C., & shaver, P. R. (1986).** *Parental Care Giving Style Questionnaire.* Unpublished questionnaire, Cornell University, Ithaca, NY.
- Joules, S. (2007).** *The mediating role of god attachment between religiosity and spirituality and psychology adjustment in young adults.* Unpublished PhD dissertation. The Ohio State University, Department of Psychology.
- Johnson, H. D., Lavole, J. C., & Mahoney, M. (2001).** Interparental conflict and family cohesion: Predictors of loneliness, social anxiety and social avoidance in the late adolescence. *Journal of*
- رمضانی، و.، شمس‌اسفندآبادی، ح. و طهماسبی، ش. (۱۳۸۵).** بررسی پیامدهای هیجانی سبک‌های دلبستگی در دانشجویان. فصلنامه پژوهش در سلامت روان شناختی، ۱ (۱)، ۳۸-۴۷.
- سپاه‌منصور، م.، شهابی‌زاده، ف. و خوشنویس، آ. (۱۳۸۷).** ادراک دلبستگی کودکی، دلبستگی بزرگسال و دلبستگی به خدا. فصلنامه روان‌شناسان ایرانی، ۴ (۱۵)، ۲۶۵-۲۵۳.
- عارفی، م.، نوابی‌نژاد، ش. و ثنایی، ب. (۱۳۸۴).** بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی با کیفیت دوستی در دانش‌آموزان دبیرستان شهر کرمانشاه. تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، ۱۵ (۸)، ۳۱-۹.
- میالانی، م.، شهیری، م.، قائدی، غ.، بختیاری، م. و طاوولی، آ. (۱۳۸۸).** اثربخشی درمان شناختی و رفتاری گروهی مبتنی بر الگوی هیمبرگ در کاهش نشانه‌های اضطراب اجتماعی، مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، ۱۵ (۱)، ۴۹-۴۲.
- Arkin, R. M., Appellment, A. J., & Buger, J. M. (1980).** Social anxiety, self-serving bias self-presentation in causal attribution. *Journal of Personality and Social Psychology, 38*, 23-35.
- Brumariu, L. E., & kerns, K. A. (2008).** Mother-child attachment and social anxiety symptoms in middle childhood. *Journal of Applied Development Psychology, 29*, 393-402.
- Bell-Dolan, D., & Wessler, A. (1994).** Attributional style of anxiety children: Extension from cognitive theory and research on adult anxiety. *Journal of Anxiety Disorder, 8* (1), 79-96.
- Bruch, M. A., & Heimberg, R. G. (1994).** Differences in perceptions of parental and personal characteristic between generalized and nongeneralized social phobia. *Journal of Anxiety Disorder, 8*, 155-168.
- Bosquet, M., & Egeland, B. (2006).** The development and maintenance of anxiety symptoms from infancy through adolescence in a longitudinal sample. *Development and Psychopathology, 18*, 517-550.

- explanation as risk factor for depression: Theory and evidence. *Psychological Review*, 91, 347-374.
- Simons, K. J. M., Paternite, C., & Shore, C. (2001).** Quality of parent/adolescent attachment and aggression in young adolescents. *Journal of Early Adolescence*, 21, 182-203.
- Taylor, S., & Wald, J. (2003).** Expectation and attributions in social anxiety disorder: Diagnostic distinction and relationship to general anxiety and depression. *Cognitive Behavior Therapy*, 23, 166-178.
- Watson, D., & Friend, R. (1969).** Measurement of social-evaluative anxiety. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 33, 448-457.
- Wilson, J. K., & Rapee, R. M. (2005).** The interpretation of negative social events in social phobia with versus without comorbid mood disorder. *Journal of Anxiety disorder*, 19, 245-274.
- Wilkson, R. B., & Walford, W. A. (2001).** Attachment and personality in the psychology health of adolescents. *Journal of Personality and Individual Difference*, 31, 437-484.
- Adolescent Research*, 16 (3), 304-318.
- Mikulincer, M., & Florian, V. (1999).** The association between spouses self-reports of attachment style and representations of family dynamic. *Family Process*, 38 (1), 69-83.
- Neal, J., & Edelman, R. (2003).** The etiology of social phobia: Toward a development profile. *Clinical Psychology Review*, 23, 731-767.
- Olson, D. H., Portner, J., & Lavee, Y. (1985).** *FACES-III*. St. Paul: Department of Family Social Science, University of Minnesota.
- Parada, S., Leerkes, M. E., & NayenaBlankson, A. (2010).** Attachment to parental, social anxiety and close relationship of female students over the transition to college. *Journal of Youth and Adolescence*, 39, 124-137.
- Peleg-poko, O., & Dar, R. (2001).** Marital quality, family patterns and children's fear and social anxiety. *Journal Contemporary Family Therapy*, 23 (4), 465-487.
- Peterson, C., & Seligman, M. E. P. (1984).** Causal